



## منع شکنجه و پیشگیری از آن در اسناد حقوق بشری و حقوق ایران

پدیدآورنده (ها): ابراهیمی منش، مهران؛ ریاضی، سجاد

حقوق :: نشریه اندیشمندان حقوق :: بهار ۱۳۹۶ - شماره ۱۲

صفحات : از ۳۹ تا ۴۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1258834>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۲/۰۶/۲۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- مبانی قرآنی و تحلیل فقهی منع شکنجه با مطالعه اسناد بین المللی و حقوق ایران
- تحلیل حق دادرسی عادلانه در پرتو اسناد حقوق بشری با نگاهی به قوانین ایران
- جایگاه منع شکنجه در حقوق کیفری ایران و اسناد بین المللی
- بررسی تطبیقی الگوی توزیع قدرت در حقوق اساسی ایران و آمریکا
- جایگاه حقوق تأمین اجتماعی در نظام حقوقی
- دکتربین مسئولیت حمایت: ارتقاء حقوق بشر یا تئوری جنگ عادلانه
- جایگاه حقوق بشر با نگاهی به شورای حقوق بشر
- فساد اداری و پیشگیری از آن، با توجه به قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد
- مفهوم و جایگاه حق تأمین اجتماعی در اسناد بین المللی
- بررسی حق رفاه و تأمین اجتماعی در حقوق ایران
- تأمین اجتماعی به عنوان یک حق بشری؛ حق بر تأمین اجتماعی و دولت مردم سالار
- نقش نظام تأمین اجتماعی بر توسعه انسانی در ایران

## عناوین مشابه

- بررسی ضمانت های منع شکنجه در اسناد حقوق بین الملل بشر و مقایسه آن با قوانین و مقررات ایران
- بررسی قاعده منع شکنجه و رفتارهای مشابه دیگر در حقوق ایران و انگلستان و با نگاهی بر اسناد حقوق بشر
- بررسی تطبیقی حقوق کیفری ایران با اسناد بین المللی در زمینه مقابله و پیشگیری از وقوع تروریسم سایبری
- جایگاه منع شکنجه در حقوق کیفری ایران و اسناد بین المللی
- شرط غیر منصفانه و ارائه مدلی فن آورانه جهت پیشگیری از درج آن در قراردادهای تجاری (با مطالعه تطبیقی حقوق فرانسه، انگلستان و ایران)
- راهکارهای جلوگیری از بی تابیتی در حقوق ایران در پرتو اصل منع بی تابیتی و علل آن
- جهانی شدن حقوق اسناد تجاری و تأثیر آن بر مسئولیت جزایی ناشی از چک در نظام حقوقی ایران
- بررسی رویه اداری پیشگیری از ورشکستگی در فرانسه و امکان کاربرد آن در نظام حقوق اداری ایران
- امنیت قضایی از دیدگاه فقه و حقوق ایران و اسناد حقوق بشری با تأکید بر دادرسی علنی در امور کیفری
- مواجهه با تروریسم جنسی با رویکرد حمایتی از حقوق کودکان و پیشگیری از تجاوز (در اسناد بین المللی، حقوق ایران و اسلام)

# منع شکنجه و پیشگیری از آن در اسناد حقوق بشری و حقوق ایران

## Prohibition and Prevention of Torture in International Human Rights Instruments and Iranian Law

M.Ibrahimimanes@yaho.com

• مهران ابراهیمی منش

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه پیام نور تهران

sajad.reyazi65@yahoo.com

• سجاد ریاضی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق

### Abstract

Prohibition of torture has been recognized in various human rights instruments. Iranian laws, according to lastly ratified laws and rules, including Criminal Procedure Code 1392, are completely compliant to international instruments ratified by Iran in relation with prohibition of torture, in particular Convention Against Torture (CAT) in most of cases. There are some measures in Convention Against Torture (CAT) for prevention of torture such as criminalization of torture, its punishment, right of complaint of torture, and immediate proceeding of it, training law execution officers and monitoring their actions, monitoring methods of examinations and prisons and creating prohibition of torture committees, invalidity of data gained by torture, and right of torture victim to compensate.

Iranian Legislator has recognized prohibition of torture and necessary measures in order to prevent it in relative laws and regulations and although there are shortages in laws and regulations, but there are also remarkable actions in order to achieve prevention of torture.

The purpose of this research is to examine amount of Iranian laws and regulations compliance to International Human Rights Instruments in fighting torture.

In order to do that, this research seeks to answer questions including definition and elements of torture and also preventive measures in fighting torture in Iran and International Human Rights Instruments and their similarities and differences.

### Keywords:

Torture. Prevention. Convention Against Torture (CAT). Human Rights.

### چکیده

ممنوعیت شکنجه در اسناد مختلف حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. قوانین جمهوری اسلامی ایران با توجه به قوانین اخیر التصویب از جمله قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با کنوانسیون های بین المللی که توسط دولت ایران پذیرفته شده و ممنوعیت شکنجه را مدنظر قرار داده است و با کنوانسیون منع شکنجه نیز در بسیاری از موارد مطابقت کامل دارد. برای پیشگیری از شکنجه در کنوانسیون منع شکنجه اقداماتی مانند جرم انگاری شکنجه و قابل مجازات بودن آن، حق شکایت از شکنجه و رسیدگی فوری به شکایت، آموزش مامورین مجری قانون و نظارت بر رفتار آن ها، نظارت بر روش های مربوط به بازجویی ها و بازداشتگاه ها و تشکیل کمیته منع شکنجه، بی اعتباری داده های حاصل از شکنجه، حق جبران خسارت از بزه دیده شکنجه پیش بینی شده است. قانونگذار ایران ممنوعیت شکنجه و اقدامات لازم را جهت پیشگیری از آن در قوانین مربوطه، به رسمیت شناخته است و اگرچه در ممنوعیت شکنجه و پیشگیری از آن ایرادهایی در قوانین وجود دارد ولی اقداماتی در خور توجه نیز در جهت نیل به پیشگیری از این جرم به عمل آورده است. هدف از نگارش این مقاله بررسی میزان مطابقت قوانین ایران با اسناد حقوق بشری در مبارزه با شکنجه است. جهت نیل به این هدف در تلاشیم تا به سوالاتی از جمله اینکه تعریف و ارکان شکنجه و همچنین اقدامات پیشگیری کننده در مبارزه با شکنجه در ایران و اسناد حقوق بشری چه شباهت ها و تفاوت هایی دارد.

### واژگان کلیدی:

شکنجه، پیشگیری، کنوانسیون منع شکنجه، حقوق بشر.

هر دولتی با پیوستن به کنوانسیون‌ها، قطعنامه‌ها و اسناد بین‌المللی خود را موظف به انجام تعهداتی می‌نماید. بارزترین لازمه پیوستن به یک کنوانسیون بین‌المللی اجرای مفاد آن است و لازمه اجرای هر قانونی در محدوده جغرافیایی یک کشور اقدام به قانونگذاری مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی پذیرفته شده است بر همین اساس است میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هر دولت طرف این میثاق را متعهد می‌نماید که بر طبق اصول قانون اساسی خود و مقررات این میثاق اقداماتی در زمینه اتخاذ تدابیر قانونگذاری و غیر آن به منظور تنفیذ حقوق شناخته شده در این میثاق که قبلاً به موجب قوانین موجود یا تدابیر دیگر لازم‌الاجراء نشده است، بعمل آورند.

قراردادهای چهارگانه معروف به کنوانسیون‌های ژنو مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ و کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۲۳ نوامبر ۱۹۸۹ ممنوعیت شکنجه را در متن مفاد خود مورد تاکید قرار داده‌اند. این اسناد مورد تصویب قوه قانونگذاری ایران هم قرار گرفته است. این تعهدات بین‌المللی، یک سری تعهداتی برای کشور در حوزه حقوق بشر بین‌الملل به وجود آورده که این تعهدات باید در قانون و عمل تطبیق داشته باشد. یکی از موضوعات مهم حقوق بشر، ممنوعیت شکنجه است که در موارد بسیاری مورد انتقاد شورای حقوق بشر سازمان ملل و موضوع قطعنامه‌های حقوق بشری علیه برخی کشورها از جمله ایران در مجامع بین‌المللی قرار گرفته است لذا ضرورت این موضوع می‌رساند بررسی شود که آیا قوانین ایران به عنوان

کشوری که متهم به عدم رعایت حقوق بشر است با تعهدات بین‌المللی پذیرفته شده این کشور در حوزه حقوق بشر بین‌المللی در مسئله منع شکنجه مطابقت دارد یا خیر؟ در حوزه پیشگیری از شکنجه قوانین ایران با اسناد بین‌المللی به ویژه کنوانسیون منع شکنجه مصوب ۱۹۸۴ تا چه حدی مطابقت دارد؟

بر همین اساس ابتدا ضرورت ممنوعیت شکنجه و پیشگیری از آن در اسناد بین‌المللی حقوق بشری پذیرفته شده توسط دولت ایران، مورد بررسی تطبیقی قرار می‌گیرد تا ابهامات و نواقص شناسایی این حق و راهکارهای پیشگیری از آن در حقوق ایران مشخص شود و در نهایت اقداماتی که مقنن ایران در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برای رفع این ابهامات و نواقص انجام داده است، بیان می‌گردد. مواد و اصولی که در کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ برای پیشگیری از شکنجه ذکر گردیده است نیز به صورت مجزا با قوانین جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی تطبیقی قرار می‌گیرد.

#### ۱- تعریف شکنجه و ارکان آن در حقوق ایران و کنوانسیون منع شکنجه

به دست آوردن ارکان و عناصر یک پدیده ی کیفری با تعریف دقیق آن ملازمه دارد و به منظور شناخت ابعاد و ساختار شکنجه تعریف آن ضروری است.

##### ۱-۱- تعریف شکنجه

کنوانسیون منع شکنجه مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ سازمان ملل متحد در تعریف شکنجه بیان می‌کند: « ایراد عمدی هرگونه درد

شکنجه ایراد عمدی هرگونه درد یا رنج شدید بدنی یا روحی است مانند ایراد ضرب و جرح عمدی، اذیت و آزار روحی و روانی است و نکته دوم اینکه ترک فعل نیز می تواند مصداق شکنجه باشد. بنابراین چنانچه مامور دولت از وظایف و مسئولیت های قانونی خود به هدف شکنجه دیگری خودداری نماید، حکم تعریف این بزه بر او قابل تسری است. به عنوان مثال خودداری مامور دولت به قصد شکنجه متهم یا محکوم از دادن غذا، آب، لباس یا دارو خودداری نماید، جرم شکنجه به صورت ترک فعل محقق گردیده است. (ابراهیمی، ۱۳۸۹، ۳۳) علاوه بر آن شکنجه جسمی و روحی غیر مستقیم نیز مدنظر می باشد. بدین معنا که ممکن است شکنجه به منظور کسب اطلاع یا اخذ اقرار از شخص ثالث صورت گیرد و مامور دولت با شکنجه متهم به دنبال اخذ اقرار یا کسب اطلاع از دیگری است که این اعتراف بر روند تحقیقات موثر است. همانگونه که از تعریف ذکر شده در اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبرهن است، شکنجه مدنظر اصل مذکور نیز هم فعل و هم ترک فعل را در بر می گیرد. اما سایر قوانین عادی ایران که به ممنوعیت شکنجه پرداخته اند، تعریفی از شکنجه و فعل و ترک فعلی که منجر به شکنجه شود، نپرداخته اند.

### ۱-۳- قصد و انگیزه وقوع جرم شکنجه

رکن روانی جرم شکنجه تبلور قصد شکنجه گر به عمد در ارتکاب فعل شکنجه و خواست حصول نتیجه ی مجرمانه از این فعل است. عمد در فعل و قصد به دست آوردن نتیجه ی مجرمانه خصوصیات بارز جرایم عمدی از جمله شکنجه است. افعال عمدی تجلی قصد یا نیت انسان

و یا رنج شدید بدنی یا روحی به یک شخص از جانب مامور رسمی دولت و یا کسی که در سمتی رسمی عمل می کند و یا به تحریک و یا اجازه و یا سکوت او به منظور اخذ اطلاعات و یا اقرار از شخص و یا شخص ثالث، تنبیه وی از بابت عملی که وی و یا شخص ثالث مرتکب شده و یا مظنون به ارتکاب آن است، ارباب و یا اجبار او و یا شخص ثالث و یا به هر دلیلی که مبتنی بر هرگونه تبعیض باشد. درد یا رنجی که از مجازات های قانونی ناشی می شود و یا جزء لاینفک و یا لازمه آن ها است از شمول این تعریف خارج است.»

در مقررات داخلی ایران از شکنجه تعریف ارائه نشده است. اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به موضوع شکنجه پرداخته است، تعریفی از شکنجه ارائه نداده است و به بیان احکام ممنوعیت شکنجه، بی اعتباری دلایل حاصل از شکنجه و مجازات مرتکب آن پرداخته است. اصل مذکور با بیان عبارت «هرگونه شکنجه...» علاوه بر شکنجه جسمی، شکنجه روحی را هم مدنظر قرار داده و اهداف شکنجه گر را علاوه بر اقرار و کسب اطلاع، به شهادت و سوگند تسری داده است و نکته دیگر اینکه اصل مذکور دو پاسخ پیشگیرانه و کیفری به انجام شکنجه داده است. پاسخ پیشگیرانه مبتنی بر تحریم شکنجه و تطهیر و شستشوی دلائل اثباتی و آیین دادرسی و بی اعتباری دلیل و پاسخ کیفری متضمن جرم انگاری شکنجه و وضع مجازات برای شکنجه گر است.

### ۱-۲- ماهیت جرم شکنجه

در مورد رکن مادی شکنجه بر اساس تعریف فوق، اول اینکه فعل شکنجه اصولاً یک عمل فیزیکی مثبت است و به تعبیر ماده فوق الذکر،

در جهتی است که فاعل مرید آن بوده است. (اردبیلی، ۱۳۹۲، ۲۳۷)

صرف انجام دادن فعلی به قصد آزردهن مجنی علیه در شکنجه کافی نیست، بلکه شکنجه‌گر باید قصد خاصی را از این فعل اراده کند. (شفیعی نیا، ۱۳۸۸، ص ۸۱)

مطابق تعریف ذکر شده از شکنجه در ماده یک کنوانسیون منع شکنجه، این جرم ممکن است به قصد تحصیل و کسب اطلاع، اخذ اقرار، تنبیه کردن مجنی علیه شکنجه، ارعاب و اجبار صورت گیرد.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق کودک صرفاً به ممنوعیت شکنجه در مورد افراد و کودکان حکم داده اند و قصد شکنجه‌گر و رکن روانی شکنجه را ذکر ننموده اند. اما در قوانین جمهوری اسلامی ایران اصل ۳۸ قانون اساسی صراحتاً یکی از مقاصد شکنجه‌گر از انجام شکنجه را «کسب اطلاع» ذکر نموده است. بند ۹ ماده ی واحده احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی با بیان عبارت کلی «... به منظور اخذ اقرار یا اجبار او به امور دیگر...» صرف انجام شکنجه را بر مجنی علیه برای وقوع جرم شکنجه کافی دانسته است. همچنین در اغلب موارد شکنجه‌گر به هدف تحصیل اقرار متهم یا محکوم مبادرت به اعمال شکنجه می نماید. تاثیری که اقرار به عنوان ملکه دلائل در اثبات بزه و فرایند تحقیقات دارد، مامورین کشف جرم را به تحصیل آن ولو با شکنجه متهم ترغیب می کند. در قوانین جمهوری اسلامی ایران در کلیه مواد مرتبط با جرم شکنجه از جمله اصل ۳۸ قانون اساسی، مواد ۵۷۸، ۵۷۹ و ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و ماده واحده ی قانون احترام

به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی به صراحت اخذ اقرار را به عنوان یکی از اهداف شکنجه‌گر ذکر نموده است.

هدف شکنجه‌گر از انجام شکنجه ممکن است ناظر بر «تنبیه دیگری از بابت عمل ارتكابی وی یا عملی که فرد دیگری مرتکب شده و یا فرد تحت شکنجه یا دیگری مظنون به ارتكاب آن می باشد، مصداق شکنجه است. البته در اینجا منظور اعمال هر نوع درد و رنج جسمی و روحی است که مستند به حکم محکومیت و بر اساس قوانین نبوده و از مدار مجازات قانونی نیز خارج است.» (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۳۹) در قوانین جمهوری اسلامی ایران در موارد مختلفی از جمله اصول ۳۲، ۳۳، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹ قانون اساسی نیز آثاری از حق آزادی و امنیت شخصی را به رسمیت شناخته است. ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و همچنین بند ۱ ماده ی واحده ی قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی اعمال هرگونه عمل غیر قانونی و بدون حکم و دستور مقام قضایی با هر قصد و نیتی که انجام گیرد، جرم و قابل مجازات دانسته شده است. (صادقی زیازی و ابراهیمی منش، ۱۳۹۳، ۱۷۶)

هدف دیگر شکنجه‌گر ممکن است ارعاب، ترس و واهمه متهم یا محکوم باشد که معمولاً ابزار ایجاد آن تهدید متهم یا محکوم می باشد و یا ممکن است شکنجه به اجبار و اکراه متهم جهت وادار نمودن متهم به اقرار انجام گیرد. اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و بند ۹ ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی صراحتاً شکنجه متهم و محکوم را به قصد اجبار وی بیان نموده اند.

## ۲- تعهدات بین المللی پذیرفته شده ایران در ممنوعیت شکنجه و میزان انطباق قوانین داخلی با آن

قراردادهای چهارگانه معروف به کنوانسیون های ژنو مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹ و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ و کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۲۳ نوامبر ۱۹۸۹ و اعلامیه اسلامی حقوق بشر که ممنوعیت شکنجه را در متن مفاد خود مورد تاکید قرار داده اند و مورد تصویب قوه قانونگذاری ایران نیز قرار گرفته، ممنوعیت شکنجه را به صراحت پذیرفته و بر اجرای آن در قوانین داخلی کشورها تاکید می کند.

شکنجه نقض آشکار حقوق بشر و رفتاری علیه حرمت و کرامت انسان بشمار می رود، مجمع عمومی سازمان ملل این عمل را محکوم و حقوق بین المللی و نیز حقوق داخلی آن را منع نموده است، با این همه شکنجه متهمان و محکومان پیشینه ای به قدمت تاریخ اجتماعی بشر دارد. (اردبیلی، ۱۳۷۷: ۱۰۵)

اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هرگونه شکنجه برای اخذ اقرار و یا کسب اطلاع را ممنوع دانسته است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود. ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ به عنوان ضمانت اجرای تخلف از اصل ۳۸ قانون اساسی می باشد و شکنجه جهت اخذ اقرار و اذیت و آزار بدنی را جرم و قابل مجازات دانسته است.

بر اساس ماده ۵۸۷ قانون فوق الذکر چنانچه مرتکب شخص توقیف شده یا محبوس شده یا

مخفی شده را تهدید به قتل نموده یا شکنجه و آزار بدنی وارد آورده باشد نیز جرم و قابل مجازات دانسته شده است. بند ۹ ماده ی واحدهی قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ نیز هر گونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر را ممنوع دانسته و اقرارهای اخذ شده بدین وسیله را فاقد حجیت شرعی و قانونی دانسته است. موارد مذکور، مواد قانونی هستند که اصل منع توسل به شکنجه و مجازات مرتکب آن را مورد تاکید قرار داده اند.

در ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ شکنجه را ممنوع دانسته بود و الزام اشخاص، هرچند متهم، به اقرار و به طریق اولی ایداء و آزار بدنی و روانی او را ممنوع اعلام نمود. «آشوری، ۱۳۸۹: ۱۳۷) و اینکه « متهم حق سکوت دارد و واردار کردن متهم به پاسخ و یا اینکه چگونه پاسخ بدهد یا ندهد ممنوع و تخلف محسوب می شود» (گلدوست جویباری، ۱۳۹۲: ۷۶) بر اساس ماده فوق الذکر « قاضی تحقیق حق ندارد متهم را به اقرار تشویق کند و یا او را به صدور قرار منع تعقیب یا کمک های غیرقانونی دیگر امیدوار سازد. بویژه باید دقت داشته باشد که توسل به آزار و شکنجه برای اخذ اقرار ممنوع است و خود این عمل جرم به شمار می آید.» (آخوندی، ۱۳۸۶: ۹۶) و سکوت متهم و « خودداری وی از دادن پاسخ به سوالات نیز مجوزی برای مجبور ساختن متهم به اقرار محسوب نمی شود» (خالقی، ۱۳۹۱: ۱۷۸) و براساس متن ماده مذکور صرفا سکوت متهم در صورت مجلس قید می شود.

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

نیز اقدامات اساسی برای پیشگیری از شکنجه به رسمیت شناخته شده است. بر اساس ماده ۲ این قانون، دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد. بر اساس ماده ۴۶ ظابطان نمی توانند متهم را بیش از بیست و چهار ساعت تحت نظر قرار دهند. به استناد ماده ۴۷ این قانون هرگاه فردی خارج از وقت اداری به علت هر یک از عناوین مجرمانه تحت نظر قرار بگیرد، باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب به دادستان یا قاضی کشیک اعلام شود. دادستان یا قاضی کشیک نیز مکلف است موضوع را بررسی نماید و در صورت نیاز با حضور در محل تحت نظر قرار گرفتن متهم، اقدام قانونی را انجام دهد. همچنین بر اساس ماده ۴۸ با شروع تحت نظر قرار گرفتن متهم می تواند تقاضای حضور وکیل نماید. به موجب ماده ۵۱ این قانون، بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان اط شخص تحت نظر معاینه به عمل می آورد. حضور وکیل در مرحله تحت نظر و نزد ظابطان دادگستری و پلیس و معاینه شخص تحت نظر و جلب شده توسط پزشک می تواند در عدم اعمال شکنجه و اخذ اقرار از متهم پیشگیری نماید.

همچنین به استناد ماده ۵۰ شخص تحت نظر می تواند افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه نمایند. مهمترین حقی که برای پیشگیری از شکنجه افراد در این قانون پیش بینی شده است، حق درخواست معاینه توسط پزشک یا توسط یکی از بستگان نزدیک وی است و گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می شود. بر اساس ماده ۶۰ این قانون در بازجویی ها اجبار و اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سوالات تلقینی یا اغفال کننده و سوالات خارج

از موضوع اتهام ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سوالات و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است، معتبر نیست. تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی باید در اوراق صورتجلسه قید شود و به امضا یا اثر انگشت متهم برسد.

### ۳- اقدامات پیشگیرانه از وقوع شکنجه در کنوانسیون منع شکنجه و حقوق ایران

بر اساس ماده ۲ کنوانسیون منع شکنجه و در سایر مواد کنوانسیون مذکور و اسناد سازمان ملل در ارتباط با پیشگیری و ممانعت از شکنجه و کاربرد ابزار مختلف در جهت مبارزه با آن اقدامات و راهبردهایی برای پیشگیری از شکنجه پیش بینی شده است.

#### ۳-۱- جرم انگاری شکنجه و قابل مجازات بودن آن

بند ۱ از ماده ۲ کنوانسیون منع شکنجه هر دولت عضو این کنوانسیون را موظف به انجام اقدامات لازم در زمینه پیشگیری و ممانعت از شکنجه نموده است.

در قوانین جمهوری اسلامی ایران، اصل ۳۸ قانون اساسی، مواد ۵۷۸، ۵۷۹ و ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و ماده واحده ی قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، ممانعت از اعمال شکنجه، جرم انگاری و قابل مجازات بودن مرتکبین آن را به رسمیت شناخته اند.

#### ۳-۲- حق شکایت از شکنجه و رسیدگی فوری به شکایت

ماده ۱۳ کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴ حق شکایت فردی که ادعای مورد شکنجه قرار



و اختیارات ضابطان در برابر هر یک از دو دسته جرایم یادشده، سازمان و تشکیلات مراجع قضایی و حدود صلاحیت آن‌ها باشد «خالقی، ۱۳۹۴، ۵۵» و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری دانسته است. تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت را ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار دانسته است.

و در مورد نظارت بر اعمال ضابطان دادگستری و مداوم بودن آموزش آن‌ها نیز تبصره یک ماده فوق‌الذکر دادستان را مکلف نموده است تا به‌طور مستمر دوره‌های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت‌های لازم و ایفاء وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار نماید. ماده ۳۳ قانون فوق‌الذکر نیز دادستان را به منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان مکلف نموده است تا واحدهای مربوط را حداقل هر دو ماه یک بار مورد بازرسی قرار دهد.

### ۳-۴- نظارت بر روش‌های مربوط به بازجویی‌ها و بازداشتگاه‌ها و تشکیل کمیته منع شکنجه

ماده ۱۱ کنوانسیون منع شکنجه نظارت بر بازجویی‌ها و بازداشتگاه‌ها و تشکیل کمیته‌ی منع شکنجه و رعایت ترتیبات راجع به نگهداری افراد در بازداشتگاه‌ها را برای پیشگیری از وقوع شکنجه ضروری دانسته است. ماده ۱۷ به بعد کنوانسیون منع شکنجه تشکیل کمیته‌ی ای را برای نظارت بر منع شکنجه در کشورهای عضو و رسیدگی به شکایت از اعمال شکنجه در کشورهای عضو پیش‌بینی نموده است. در مورد نظارت بر روش‌های بازجویی و تمهیدات حبس و رفتار و برخورد با افراد و نظارت بر بازداشتگاه‌ها و محل نگهداری

گرفتن را دارد و رسیدگی فوری و بی‌طرفانه نزد مقام صلاحیت‌دار و حمایت از وی و شاهدان را به رسمیت شناخته است.

در قوانین جمهوری اسلامی ایران در کلیه مواد مرتبط با جرم شکنجه از جمله اصل ۳۸ قانون اساسی، مواد ۵۷۸، ۵۷۹ و ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و ماده واحده‌ی قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی اعمال شکنجه جرم دانسته شده و بر اساس قوانین آیین دادرسی کیفری در محاکم صالح قابل رسیدگی است و از این جهت اشکال عمده‌ی قانونی در جهت رسیدگی توسط مقام بی‌طرف و ترتیب اطمینان بخش بر اجرای قوانین، در قوانین ایران وجود ندارد.

### ۳-۳- آموزش مامورین مجری قانون و نظارت بر رفتار آن‌ها

ماده دهم کنوانسیون منع شکنجه مصوب ۱۹۸۴ بر آموزش مامورین دولتی و مجریان قانون تاکید نموده است. ضرورت آموزش مامورین قانون و ملاحظه نحوه رفتار آن‌ها با افراد محروم از آزادی مورد وفاق غالب دولت‌ها و نهاد‌های بین‌المللی است. سازمان ملل متحد در اسناد و معاهدات خود به این ضرورت تاکید نموده است. قانونگذار ایران در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ توجه ویژه‌ای به آموزش ضابطان دادگستری و قائل شده است و در ماده ۳۰ این قانون احراز عنوان ضابط دادگستری را علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن، منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضائی مربوط که «اصولا باید شامل مباحثی جهت آشنایی با مفاهیم جرم و ارکان آن، مشهود و غیر مشهود بودن آن، وظایف

متهمین در قوانین موضوعه ایران بند ۱۵ قانون حفظ حقوق شهروندی که برخورد انسانی و اسلامی با متهمین را در بند ۴ و عدم تحقیر و اذیت و آزار افراد در حین بازجویی را در بند ۶ و عدم انجام امور خلاف قانون در حین بازجویی و تحقیق را در بند ۷ و ممنوعیت شکنجه و عدم اعتبار قانونی دلایل حاصل از آن را در بند ۹ مورد تاکید قرار داده است، تشکیل هیات نظارت به منظور نظارت و حسن اجرای موارد ذکر شده را به عهده ی رئیس قوه ی قضاییه گذاشته است. دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ قانون فوق الذکر در ماده ۲ نظارت بر حسن اجرای قانون یادشده در کشور و ایجاد رویه واحد، اصلاح روشها و انطباق آنها با مقررات، بررسی گزارش هیأت های نظارت و بازرسی استان ها و ارزیابی چگونگی اجرای قانون، اعزام گروه های بازرسی فوق العاده به دستگاه های مشمول این دستورالعمل، ارسال شکایت ها و گزارش های واصله به مرجع مربوط و پیگیری آنها تا رسیدن به نتیجه، پیشنهاد تشویق و تنبیه براساس گزارش هیأت های بازرسی، تهیه گزارش درخصوص روند اجرای قانون در کشور هر سه ماه یک بار و ارائه گزارش از چگونگی روند اجرای قانون هر ۶ ماه یکبار به مردم را جزء وظایف هیات نظارت دانسته است. ماده ۱۶ دستورالعمل فوق الذکر نیز دادیاران و بازپرسان را به اعلام موارد نقض حقوق شهروندی که ارتکاب شکنجه یکی از موارد آن است مکلف نموده که دادیاران دادرسی انتظامی قضات، بازرسان قضایی سازمان بازرسی کل کشور، رئیسان حفاظت اطلاعات قوه قضائیه در استان ها و هریک از قضات دادرسی و دادگاه ها که از نقض حقوق شهروندی به تناسب وظایف محوله آگاه شوند، موظف اند با قید فوریت رئیس کل

دادگستری استان و یا هیأت نظارت مرکزی را با فرستادن گزارش کتبی آگاه کنند.» علاوه بر موارد ذکر شده، نهادهایی مانند سازمان بازرسی کل کشور، کمیسیون حقوق بشر اسلامی، کمیسیون اصل ۹۰ مجل و کمیسیون تحقیق و تفحص مجلس و هیات پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی نیز به عنوان نهادهای رسمی مقابله با شکنجه در ایران دانسته شده اند. (موسوی، ۱۳۸۲، صص ۱۶۷-۱۷۰)

بر اساس ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دادستان به منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان، واحدهای مربوط را حداقل هر دو ماه یک بار مورد بازرسی قرار می دهد. همچنین به موجب بند (ب) ماده ۴۸۹ این قانون نیز وظیفه نظارت بر زندان ها در مورد امور مربوط به زندانیان بر عهده ی قاضی اجرای احکام کیفری گذاشته شده است.

۳-۵- بی اعتباری داده های حاصل از شکنجه اقرار حاصل از شکنجه یا سایر رفتارهای غیر انسانی و تحقیر آمیز متهم در هیچ رسیدگی نباید به عنوان دلیل مورد استفاده قرار گیرد. خصوصا در رسیدگی هایی که مربوط به مرتکبین شکنجه می باشد، هر اظهاری که در نتیجه شکنجه بیان می شود دلیلی غیر قابل استماع است، مگر در رسیدگی هایی که علیه مرتکبین شکنجه مورد استناد قرار می گیرد.

ماده ۱۵ کنوانسیون منع شکنجه بی اعتباری داده های حاصل از شکنجه را مورد تاکید قرار داده است. در حقوق جمهوری اسلامی ایران اصل ۳۸ قانون اساسی و ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ صراحتا بی اعتباری دلایل حاصل از شکنجه را مورد تاکید قرار داده است. ۳-۶- حق جبران خسارت از بزه دیده شکنجه

کنوانسیون های بین المللی که توسط دولت ایران پذیرفته شده و به نوعی تعهدات بین المللی ایران محسوب می شود و ممنوعیت شکنجه را مدنظر قرار داده است مطابقت کامل دارد. در مورد مطابقت با کنوانسیون منع شکنجه لازم به ذکر است که اصول، وظایف و تعهداتی که در کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ بر عهده دولت ها گذاشته شده است، شامل تعریف شکنجه و عناصر آن که شامل رکن مادی و اهداف شکنجه گر است، اقدامات پیشگیرانه و ممانعت از شکنجه مانند جرم انگاری شکنجه و مجازات مرتکبی، نظارت بر روش های مربوط به بازجویی ها و بازداشتگاه ها و کمیته منع شکنجه، حق شکایت از شکنجه و رسیدگی فوری به شکایت، حق جبران خسارت از بزه دیده شکنجه، بی اعتباری داده های حاصل از شکنجه، آموزش مامورین مجری قانون و نظارت بر رفتار آن ها پیش بینی شده است. قانونگذار ایران اقدامات پیشگیرانه و مبارزه با شکنجه مذکور را در قوانین مربوطه، به رسمیت شناخته است و اگرچه در ممنوعیت شکنجه و پیشگیری از آن ایرادهایی در قوانین وجود دارد ولی اقداماتی اساسی نیز در جهت نیل به پیشگیری از این جرم به عمل آورده است.

### فهرست منابع

- ابراهیمی، محمد، (۱۳۸۹)، تبیین موضوعی ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی در نظام بین المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول.
- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، میزان، چاپ سی و یکم.

ماده ۱۴ کنوانسیون منع شکنجه حق جبران خسارت از بزه دیده شکنجه و اعاده وضع اولیه قربانی شکنجه تا حد امکان و در صورت مرگ وی تعلق آن به بازماندگان را مورد تاکید قرار داده است.

در قوانین موضوعه ایران جبران خسارت از فردی که تحت شکنجه قرار گرفته است به طور خاص به رسمیت شناخته نشده است بلکه همانند سایر مواردی که مقام دولتی مرتکب عملی می شود که برخلاف قانون انجام گرفته، جبران خسارت از وی ضروری دانسته شده است. اصل ۱۷۱ قانون اساسی جبران خسارتی که در اثر تقصیر یا اشتباه مقام قضایی بوقوع پیوندد را به رسمیت شناخته است. کلمه قاضی در اصل ۱۷۱ اطلاق داشته و این اصل تمامی قضات اعم از دادگاه و دادرها را شامل می شود. (پروین، ۱۳۸۲، ۹۴) به موجب ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ کلیه ماموران دولتی که به شکلی موجب ایراد هرگونه خسارتی به افراد شوند را ملزم به جبران خسارت دانسته است. همچنین به موجب ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ صدمه و خسارت عمدی و یا با تقصیر مرتکب، موجب مسئولیت مدنی و کیفری است و اگر عمد و تقصیر مرتکب منتفی باشد، خسارت از بیت المال جبران می شود. (گلدوزیان، ۱۳۹۳، ۵۷) بنابراین هرگونه صدمه و خسارتی که از صدور حکم به مجازات و اقدامات تامینی و تربیتی یا اجرای آن حاصل شود را در صورت عمد و تقصیر توسط مرتکب و در صورت عدم عمد و تقصیر وی توسط بیت المال قابل جبران دانسته است.

### نتیجه گیری

قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران با

سیاست جنایی ایران، سازمان ملل متحد و شورای اروپا، تهران، خط سوم، چاپ اول.

- آخوندی، محمود، (۱۳۸۶)، آیین دادرسی کیفری، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نهم، جلد دوم.

- آشوری محمد، (۱۳۸۹)، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوازدهم، جلد دوم.  
- پروین، فرهاد، (۱۳۸۲)، خسارت معنوی در حقوق ایران، چاپ دوم، تهران، نشر ققنوس، چاپ اول.

- خالقی، علی، (۱۳۹۴)، نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، چاپ چهارم.

- خالقی، علی، (۱۳۹۱)، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، چاپ پانزدهم.

- شفیعی نیا، محمد، (۱۳۸۸)، مطالعه تطبیقی اصل ممنوعیت شکنجه در سه نظام حقوقی اسلام، ایران و بین الملل بشر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.

- صادقی زیازی، حاتم - ابراهیمی منش، مهرا، (۱۳۹۳)، «حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد بین المللی حقوق بشر و حقوق ایران؛ با نگاهی به نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره پنج، شماره یک، صص ۱۷۱-۱۹۰

- طباطبایی موتمنی، منوچهر، (۱۳۹۱)، حقوق اداری، ج ۱، انتشارات سمت، چاپ هجدهم، ۱۳۹۱.  
- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۹۳)، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، مجد، چاپ دوم.

- گلدوست جویباری، رجب، (۱۳۹۲)، کلیات آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات جنگل، چاپ یازدهم.

- موسوی، سید عباس، (۱۳۸۲)، شکنجه در